

مسالہ اقلیت

اقلیت‌ها، جامعه مدنی و شوراها



انتشارات عرصه سوم - پاییز ۱۳۹۵



مسالہ اقلیت

اقلیت‌ها، جامعه مدنی و شوراها



نویسنده: حسین قاضیان

مساله اقلیت، اقلیت‌ها، جامعه مدنی و شوراها

انتشارات عرصه سوم

پاییز ۱۳۹۵، آمستردام، هلند

این کتابچه راهنما با اهداف زیر تهیه و تنظیم شده است:

- ترویج و گسترش اندیشه‌های مدنی، صلح، دموکراسی و حقوق بشر
- ظرفیت‌سازی سازمان‌ها، فعالان جامعه مدنی و مدافعان حقوق بشر
- ترویج و گسترش اخلاق مدنی و فرهنگ اقدام‌های داوطلبانه
- آسان‌سازی برای دسترسی، گردش و مبادله آزاد اطلاعات
- ایجاد فضایی مناسب برای تبادل نظر، گفت‌وگو بین فعالان جامعه مدنی و دیگر گروه‌های اجتماعی.

سازمان غیردولتی «عرصه سوم» در سال ۱۳۸۹ / ۲۰۱۰ در آمستردام (هلند) بنیان‌گذاری شده و به عنوان یک نهاد ناسودبر به ثبت رسیده است.



www.darsahn.org

اشاره:

توجه به اقلیت‌های اجتماعی در سالیان اخیر رو به افزایش بوده است. این نوشته نیز با در نظر گرفتن این توجه روزافزون به طرح مسأله‌ی اقلیت‌ها می‌پردازد. ابتدا مفهوم اقلیت بودن با تأکید بر دو عنصر «تمایز» و «تبعیض» شکافته می‌شود. سپس با تفاوت گذاشتن میان «وجود» و «احساس» تمایز و تبعیض، به سراغ انواع اقلیت‌ها (قومی، دینی، مذهبی، جنسی، زبانی و مانند آن) می‌رویم و از دفاع از اقلیت‌ها حرف خواهیم زد. در موضوع دفاع از اقلیت‌ها بر دفاع حقوقی تأکید می‌کنیم، مبانی آن را روشن می‌کنیم، رویکردهای کلی در این زمینه را به بحث می‌گذاریم و در نهایت بر عنصری مرکزی یعنی ایجاد حساسیت نسبت به موضوع اقلیت‌ها دست می‌گذاریم. اما این نوع حساسیت‌زایی و دفاع عمدتاً مربوط است به اکثریت. بنابراین در ادامه به کارهایی که خود اقلیت می‌تواند برای رفع تبعیض‌های اجتماعی انجام دهد می‌پردازیم. در این باره به نیاز به تغییر موازنه‌ی قوا اشاره می‌کنیم و توضیح می‌دهیم که یکی از رویکردهای مهم در این زمینه یارگیری اجتماعی است که به معنا و شیوه‌هایش اشاره خواهد شد. اما اقلیت برای آن که از این یارگیری استفاده کند باید بتواند صدای خواسته‌هایش را به گوش تصمیم‌گیران عمومی برساند و نظارت کند تا این خواسته‌ها به سرانجام برسد. از این‌رو در انتها به راه‌های بلند کردن صدای خواسته‌های اقلیت اشاره می‌کنیم، و مبنای حقوقی نظارت و پاسخگویی نهادهای عمومی و شیوه‌های آن را از نظر می‌گذارانیم.





مقدمه:

اقلیت، اقلیت‌ها، حقوق اقلیت، اقلیت‌های تحت ستم، اقلیت‌های معترض و ... این‌ها تعبیراتی است که در سال‌های اخیر بیش از همیشه از در و دیوار رسانه‌ها بالا می‌رود. این واژه‌ها و خبرها گاهی ذهن عده‌ای را به خود مشغول می‌کنند و شاید هم روی اعصاب عده‌ای رژه می‌روند. عده‌ای را امیدوار و برخی را نگران می‌کنند، برخی به شوق می‌آیند و برخی معترض می‌شوند. این خبرها و واژه‌ها، این کنش‌ها و آن واکنش‌ها، همه و همه، نشان می‌دهند که ما با مساله‌ای جدی روبرو هستیم: مساله‌ی اقلیت‌ها.

اما اقلیت کیست و مساله‌اش چیست؟

فهرست:



دفاع از حقوق اقلیت‌ها

در تمام نظام‌هایی که قرار است امور عمومی بر مبنای تصمیم و یا رضایت اکثریت جلو برود یک مشکل اساسی وجود دارد: اگر قرار است نظر اکثریت حاکم شود، چه بر سر حقوق اقلیت می‌آید؟

۲۲



حقوق اقلیت‌ها

حقوق اقلیت‌ها به آن دسته از قوانین و مقرراتی گفته می‌شود که برای حمایت قانونی از اعضای گروه‌های اقلیت وضع شده یا باید وضع شود.

۱۸



اقلیت کیست؟

اقلیت نامی است برای یک گروه از مردم. این مردم، تعدادشان نسبت به بقیه کمتر است، یا به نظر می‌رسد کمتر باشد. اما این فقط معنای عددی اقلیت است.

۱۲

فهرست:



پاسخگو کردن در قبال اقلیت‌ها

اقلیت‌ها نیز مانند دیگر گروه‌های اجتماعی باید بتوانند خواسته‌های خود را دنبال کنند. آنان تلاش می‌کنند، به خود سازمان می‌دهند، یارگیری می‌کنند و صدای خود را به سطح تصمیم‌گیری‌های عمومی می‌رسانند.

۳۸



صدای اقلیت و تصمیم‌گیران محلی

صدای غالب در اکثر جامعه‌ها صدای اکثریت است. اقلیت یا صدایی ندارد یا صدایش زیر سنگینی صدای اکثریت شنیده نمی‌شود.

۳۴



از تبعیض اجتماعی نایارگیری اجتماعی

تبعیض‌های اجتماعی ناشی از این نیست که قانون یا مقررات اقلیت‌ها را مورد تبعیض قرار می‌دهد، بلکه این توازن قوای اجتماعی است که باعث می‌شود اقلیت‌ها احساس تمایز و تبعیض کنند، حتی در صورتی که تبعیض‌های قانونی هم در کار نباشند.

۲۸

فهرست:



تعریف جامعه مدنی از منظر عرصه سوم

«عرصه سوم» مأموریت خویش را به عنوان یک سازمان جامعه مدنی فراهم ساختن ابزار، منابع و فرصت‌ها برای آموزش و همکاری با سازمان‌ها برای توانمندسازی و کثرت‌گرایی در داخل و خارج ایران و جوامع مرتبط می‌داند.

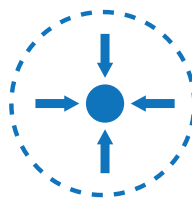
۴۴



درباره عرصه سوم

سازمان غیر دولتی و ناسودبر «عرصه سوم» در سال ۱۳۸۹ / ۲۰۱۰ در آمستردام (هلند) بنیان نهاده شد و به ثبت رسید.

۴۳



سخن پایانی

موضوع اقلیت‌ها و حقوق آن‌ها گرچه نسبتاً تازه است، اما با انبوهی از نوشته‌ها، بحث‌ها و مسایل جانبی، منازعات و مجادلات نظری و عملی همراه بوده است.

۴۲

اقلیت کیست؟

اقلیت کیست؟

«اقلیت» نامی است برای یک گروه از مردم. این مردم، تعدادشان نسبت به بقیه کمتر است، یا به نظر می‌رسد کمتر باشد. اما این فقط معنای عددی اقلیت است. اقلیت بودن و در اقلیت زندگی کردن رنج‌آورتر از آن است که صرفاً ناشی از نداشتن برتری عددی باشد. همین رنج انسانی است که می‌تواند ما را نسبت به زندگی و سرنوشت آنان حساس کند، خصوصاً اگر خود ما در اکثریت باشیم.

مساله‌ی اقلیت

همان طور که اکثریت فقط برتری عددی ندارد، اقلیت‌ها هم فقط آن مردمی نیستند که تعدادشان نسبت به بقیه کمتر است. کمتر بودن می‌توانست مشکل مهمی نباشد اگر دو جنبه‌ی آزار دهنده به همراه نداشت:

۱ متمایز بودن از اکثریت

۲ وجود نوعی تبعیض

وقتی شما از دیگران متمایز هستید و آن دیگران در اکثریت هستند، شما معمولاً نوعی فشار را از جانب آنان احساس می‌کنید. این فشار، بیانگر آن است که گویی شما باید مثل آنان باشید یا مثل آنان فکر یا رفتار کنید.

این فشار وقتی بیشتر می‌شود که از سطح تمایز داشتن بگذرد و به تبعیض منجر شود. یعنی شما به این دلیل این که یکی از آن اکثریت نیستید از چیزهایی محروم شوید با آن که شایستگی داشتن یا به دست آوردن آن چیزها را دارید یا به چیزهایی وادار شوید که آن اکثریت، در پناه اکثریت بودن به آن وادار نمی‌شوند.

وجود تمایز و تبعیض، و احساس آن

گاهی احساس تمایز داشتن یا مورد تبعیض قرار گرفتن آزار دهنده‌تر است از این که در اساس چنین تبعیضی وجود هم داشته باشد. درست است «که تا نباشد چیزی که مردم نگویند چیزها»؛ درست است که تا تبعیض وجود نداشته باشد، «احساس» تبعیض هم برقرار نمی‌شود، اما با این همه باید توجه داشت که «وجود» تبعیض و «احساس» تبعیض کاملاً متقارن نیستند. گاهی تبعیض‌ها رخت برپسته یا کمتر شده‌اند ولی هنوز احساس تبعیض بیش از آن است که واقعیت وجود دارد.



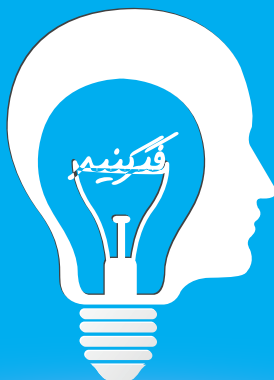


اکنون می‌دانیم که میان «وجود» تمایز و تبعیض و «احساس» تمایز و تبعیض فرق هست.

بیایید تفاوت بین «وجود» و «احساس» تبعیض را در مورد یکی از اقلیت‌هایی که در جامعه‌ی خودمان می‌شناسید دنبال کنید. به نظر شما در چه مواردی احساس تبعیض بیشتر از وجود تبعیض است و برعکس؟

و پرسشی مهم‌تر: به نظر شما، در تحلیل نهایی آن چه مردم را به حرکت درمی‌آورد یا متوقف می‌کند، «احساس» تبعیض است یا «وجود» تبعیض؟

۱۳



احساس اقلیت بودن

احساس اقلیت بودن گاهی به سادگی از همین کلمه با تعبیر «اقلیت» شروع می‌شود. برخی خود کاربرد کلمه‌ی «اقلیت» را متضمن توهین و یا تحقیر به حساب می‌آورند. حتی اگر از این موضوع هم صرف نظر کنیم، از این نمی‌توانیم بگذریم که تعبیر اقلیت، یادآور وجود اکثریت است، نشانه‌ای است از این که من یا شمایی که در اکثریت هستیم، نوعی احساس برتری داریم. اگر ما خودمان هم احساس برتری و فرادستی نکنیم، ممکن است با استفاده از تعبیر اقلیت، به آنان که در اقلیت هستند، احساسی از فرودستی منتقل کنیم. با این اوصاف، اگر استفاده از زبان مناسب در فعالیت‌های مدنی ضروری باشد (که هست) به کار بردن چنین زبانی در مورد اقلیت‌ها به مراتب ضروری‌تر است. (این نوشته بنا به مقاصد آموزشی از تعابیر موجود استفاده می‌کند).

تبعیض علیه اقلیت‌ها

تبعیض علیه اقلیت‌ها می‌تواند جنبه‌ی حقوقی داشته و در قانون درج شده باشد. مثلاً مطابق اصل ۱۱۵ قانون اساسی، اقلیت‌های دینی (مانند مسیحیان و یهودیان) و حتی مسلمانان غیر شیعه‌ی دوازده امامی نمی‌توانند رهبر یا رئیس جمهور باشند. در این مورد ما با نوعی تبعیض حقوقی در مورد افرادی با عقاید مذهبی متفاوت از مذهب اکثریت روبرو هستیم. ممکن است در جامعه‌ای تبعیض حقوقی وجود نداشته باشد یا این تبعیض برطرف شده باشد، اما مردمی که اکثریت دارند هنوز در زندگی اجتماعی علیه اقلیت‌ها اعمال تبعیض می‌کنند. این تبعیض، همان تبعیض اجتماعی است.

ویژگی‌های اقلیت ساز

اقلیت‌ها انواع متفاوتی دارند. اما همه‌ی این اقلیت‌ها در همان دو وجه مشترکند: تعداد کمتر و سروکار داشتن با تمایز و تبعیض. آن چه اقلیت را در وضعیت اقلیت عددی قرار می‌دهد، برخی ویژگی‌های «جسمی» و یا «فرهنگی» است. این ویژگی‌های جسمی و فرهنگی است که از آن‌ها اقلیت‌های قومی، دینی و مذهبی، جنسی، جسمی، سنی، سیاسی، طبقاتی، زبانی و مانند آن می‌سازد.

اما این ویژگی‌های جسمی و فرهنگی فقط اقلیت را از اکثریت متمایز نمی‌کند. در درون خود گروه‌های اقلیت هم گاه اقلیت‌های دیگری یافت می‌شوند که تعدادشان نسبت به کل اعضای گروه کمتر است و از بقیه متمایزند و یا مورد تبعیض قرار می‌گیرند. در کار با گروه‌های اقلیت و یا برای گروه‌های اقلیت باید به این جنبه توجه کرد: اقلیت‌ها هم مانند دیگر گروه‌های اجتماعی کاملاً یکدست و برابر نیستند.

انواع اقلیت‌ها

اقلیت‌ها ممکن است «اقلیت قومی» باشند، مانند اقوام غیر فارس در ایران یا قوم «هزاره» در افغانستان یا «دروزی‌ها» در لبنان.

اقلیت‌ها ممکن است «اقلیت دینی» یا «اقلیت مذهبی» باشند، مانند پیروان دینی غیر از اسلام یا غیر از مذهب شیعه در ایران، یا شیعیان در عربستان یا مسلمانان در دانمارک، و مسیحیان در مصر.





اقلیت‌ها ممکن است «اقلیت جنسی» باشند، یعنی مثل بقیه‌ی مردم خود را زن یا مرد تعریف نکنند یا در رفتار جنسی‌شان مانند زنان و مردان دیگر نباشند. به اقلیت‌های جنسی در فارسی امروز «دگرباشان جنسی» هم گفته می‌شود.

به همین ترتیب مردم دیگری ممکن است به خاطر وضعیت جسمی خاصی که دارند، به صورت «اقلیت جسمی» دربیایند. مثلاً کسانی که از ناتوانی‌های جسمی و حرکتی رنج می‌برند یا دچار ضایعات مغزی هستند، ممکن است ظاهرشان مثل دیگر مردم نباشد یا نتوانند مثل آن‌ها رفتار کنند. آنان به این ترتیب از آن دیگران متمایز می‌شوند و گاه - شاید هم از روی غفلت - دچار تبعیض می‌شوند.

همین تمایزگزاری و یا تبعیض ممکن است در مورد گروه‌هایی از مردم که سن بیشتری دارند اعمال شود. این اقلیت‌ها را می‌توان «اقلیت سنی» نامید. آنان به خاطر این که سن بیشتری دارند و مثل اکثر مردم نیستند یا رفتار نمی‌کنند، ممکن است از آنان متمایز شوند و مورد تبعیض قرار گیرند.

اقلیت بودن بیشتر اقلیت‌ها ناشی از ویژگی‌هایی مثل قومیت، دین، جنسیت، و وضعیت جسمی است، یعنی آن ویژگی‌هایی که این افراد در اغلب اوقات در انتخاب آن نقشی نداشته‌اند. اما در برخی موارد، آنان با در پیش گرفتن رفتاری معین به صورت اقلیت در می‌آیند، از این جمله‌اند کسانی که گرایش سیاسی متفاوتی از اکثریت برگزیده‌اند. به این ترتیب کسانی که گرایش سیاسی معینی دارند و قادر به کسب اکثریت نیستند را می‌توان «اقلیت سیاسی» نامید.

دفاع از اقلیت‌ها

گفتن ندارد که اقلیت بودن به موارد یاد شده محدود نمی‌شود. ما در هر سطحی ممکن است با اقلیت‌ها روبرو باشیم یا نادانسته عده‌ای را در جایگاه اقلیت قرار دهیم. از این گذشته، گروهی که در یک جامعه ممکن است در اقلیت باشند در جامعه‌ی دیگری اکثریت به حساب می‌آیند. مثلاً یهودیان در آمریکا یک گروه اقلیت دینی‌اند اما در لهستان یک گروه اقلیت ملی (یعنی یکی از ملیت‌های تشکیل دهنده‌ی لهستان) به حساب می‌آیند حال آن که در اسرائیل اکثریت قومی، ملی و دینی‌اند.

خود ما هم با آن که ممکن است در جایی و در موردی در اکثریت باشیم اما می‌توانیم در جای دیگری و در موردی دیگر در اقلیت قرار بگیریم. از این دیدگاه، دفاع از اقلیت‌ها، دفاع از خود ما هم هست. ما هم ممکن است در جایی دیگر و در موردی دیگر به اقلیت تبدیل شویم. اگر از قبل برای دفاع از اقلیت اقدامی نکرده باشیم، ممکن است وقتی خودمان در اقلیت قرار می‌گیریم تلاش‌هایمان دیگر آن قدرها هم موثر نباشد.

در هر حال، اقلیت‌ها همه‌جا از خود دفاع می‌کنند. اما ما - به ویژه اگر در اکثریت هستیم - از چه چیز اقلیت‌ها می‌توانیم و باید دفاع کنیم؟

دفاع از اقلیت‌ها لازم نیست حتماً با قبول ویژگی‌های آن‌ها همراه باشد. ممکن است شما با عقاید مذهبی گروهی که اقلیت محسوب می‌شوند موافق نباشید. ممکن است شما با شیوه‌ی زندگی کسانی که اقلیت جنسی به حساب می‌آیند همدلی نداشته باشید. مهم نیست. ضرورتی ندارد که شما از عقاید یا رفتارهای اقلیت‌ها دفاع کنید. در اولین قدم مهم این است که شما از «حقوق» آن‌ها دفاع کنید.





برای دفاع از اقلیت‌ها لازم نیست حتما با قبول ویژگی‌های آن‌ها همراه باشد. ضرورتی ندارد که شما از عقاید یا رفتارهای اقلیت‌ها دفاع کنید.



از «حقوق» آن‌ها دفاع کنید

حقوق اقلیت‌ها

حقوق اقلیت‌ها چیست؟

حقوق اقلیت‌ها به آن دسته از قوانین و مقرراتی گفته می‌شود که برای حمایت قانونی از اعضای گروه‌های اقلیت وضع شده یا باید وضع شود. این قوانین و مقررات برای این وضع می‌شوند تا نیازهای خاص این گروه‌ها را برآورده کنند نه برای آن که آنان را به اکثریت تبدیل کنند.

مبنای حقوق اقلیت‌ها

حقوق اقلیت‌ها، مبنایی بین‌المللی دارد. این مبنا ناشی از حقوقی است که به صورت رسمی در سطح بین‌المللی و توسط سازمان‌های بین‌المللی و در راس آن‌ها سازمان ملل تصویب شده است. از این رو، کشورها، مادام که عضو سازمان ملل باشند، رسماً یا عرفاً ناچار به مراعات آن هستند و در غیر این صورت مورد مواخذه رسمی و یا عرفی قرار می‌گیرند و در جامعه‌ی جهانی بی‌اعتبار می‌شوند و هزینه‌های بی‌اعتباری آن‌ها را اکثریت و اقلیت با هم می‌پردازند.

انواع حقوق اقلیت‌ها

حقوق اقلیت‌ها را می‌شود به حقوق فردی و جمعی تقسیم کرد. حقوق فردی آن‌ها همان حقوقی است که همه‌ی انسان‌ها، صرف نظر از این که در اقلیت باشند یا اکثریت از آن برخوردارند یا باید برخوردار باشند. این حقوق، حقوق بنیادین انسانی است که هر انسانی، فقط و فقط، به صرف انسان بودن واجد آن می‌شود. اعلامیه جهانی حقوق بشر، مهم‌ترین سند بین‌المللی در مورد این حقوق است.

اما علاوه بر حقوق فردی، اقلیت‌ها دارای حقوق جمعی هم هستند، حقوقی که از آن‌ها به مثابه‌ی یک کل حمایت می‌کند. مهم‌ترین سند بین‌المللی در این زمینه، «اعلامیه حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، دینی و زبانی» است که سازمان ملل در سال ۱۹۹۲ صادر کرده است.



حقوق جمعی اقلیت‌ها

در مورد حقوق جمعی اقلیت‌ها به عنوان یک گروه، نظرهای متفاوتی وجود دارد. آن‌چه می‌تواند پایه‌ی مورد توافق به حساب بیاید، حقوقی است که در سند بین‌المللی «اعلامیه حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، دینی و زبانی» آمده است. این سند برای کشورهای عضو سازمان ملل، رسماً یا عرفاً می‌باید مبنای عمل قرار گیرد، چرا که همزیستی در جامعه‌ی جهانی حکم می‌کند که به قواعد مشترک و مورد توافق میان آنان (که خود ما یکی از ایشان هستیم) پایبند باشیم.

به این ترتیب، روشن است که رعایت حقوق اقلیت‌ها جنبه‌ی ایدئولوژیک ندارد، مربوط به تبلیغات کشورهای بزرگ نیست، خواست دشمنان نیست، بلکه راهی است برای زیستن با دیگران، مادام که ما (مثلاً با عضویت در سازمان ملل و دیگر سازمان‌های بین‌المللی) می‌خواهیم یکی از آن‌ها و در همزیستی با آنان باشیم.

انواع حق‌ها

«اعلامیه حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، دینی و زبانی» در ۹ ماده به حقوق جمعی اقلیت‌ها اشاره می‌کند. برخی از مهم‌ترین این حقوق عبارتند از:

- بقا و حفظ هویت اقلیت‌ها و ترویج آن
- رفتار بر مبنای فرهنگ خود
- مشارکت بدون تبعیض در امور عمومی
- مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مربوط به خود اقلیت‌ها
- رعایت اقلیت‌ها در برنامه‌ریزی‌های ملی
- یادگیری و آموزش به زبان مادری
- تشکیل انجمن و برقراری ارتباط

همین اعلامیه می‌گوید «کشورها باید تدابیر مناسب بیاندیشند تا اشخاص متعلق به اقلیت‌ها بتوانند به گونه کامل در پیشرفت اقتصادی و توسعه در کشور خود مشارکت داشته باشند». اما با وجود تأکید بر دادن حق اداره امور اقلیت‌ها به خود آنان اشاره می‌کند که «هیچ نکته در اعلامیه حاضر نمی‌توان به عنوان مجوز برای هیچ گونه فعالیت مغایر با هدف‌ها و اصول سازمان ملل متحد، از جمله برابری حاکمیت، یکپارچگی ارضی، و استقلال سیاسی کشورها تلقی و تعبیر کرد».

برای اطلاع از مفاد کامل «اعلامیه حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، دینی و زبانی» به پیوست مراجعه کنید.

مهم‌ترین حقوق اقلیت‌ها:



دفاع از حقوق اقلیت‌ها

حالا ما تصویری کلی از حقوق اقلیت‌ها داریم. اما چطور می‌توانیم از حقوق آن‌ها دفاع کنیم و در چه سطحی؟

رویکردی کلی

در تمام نظام‌هایی که قرار است امور عمومی بر مبنای تصمیم و یا رضایت اکثریت جلو برود یک مشکل اساسی وجود دارد: اگر قرار است نظر اکثریت حاکم شود، چه بر سر حقوق اقلیت می‌آید؟ در این موارد آن دسته از مقامات عمومی که قرار است این تصمیم‌گیری‌های عمومی را انجام دهند، یا ما که قرار است کار آنان را ارزیابی کنیم باید از خود بپرسیم که:

① در چه زمانی و در چه شرایطی حق حکومت اکثریت را باید به خاطر رعایت حقوق اکثریت محدود کرد؟

② در چه زمانی و در چه شرایطی باید حق اقلیت را به خاطر رعایت حق حکومت اکثریت محدود کرد؟

این دو پرسش، پاسخ کلی و همیشگی ندارند. بسته به هر مورد باید این پرسش را مطرح و برایش پاسخی پیدا کرد. اما این فقط کار آن مقامات نیست. کار ما هم هست. ما هم در سه سطح با پاسخ به این پرسش سروکار داریم:

• در سطح رای دهنده:

من و شمایی که به نمایندگان خود، چه در سطح ملی چه در سطح محلی، رای می‌دهیم باید از این بابت گرایش‌ها و سیاست‌های آنان را بشناسیم تا مطمئن شویم به کسی رای می‌دهیم که حقوق اقلیت‌ها را محترم می‌شمارد بدون آن که حق حکومت اکثریت را نادیده بگیرد.

• در سطح نظارت کننده:

اما چطور می‌توانیم مطمئن شویم، نماینده‌ای که انتخاب کرده‌ایم به فکرها و حرف‌هایش وفادار خواهیم ماند. این جاست که پای مراقبت و نظارت پیوسته بر کار نمایندگان و نهادهای





فرض کنید مانعی در برابر شما برای دفاع از حقوق اقلیت‌ها وجود ندارد. شما آستین‌ها را بالا زده‌اید و می‌خواهید از حقوق آن‌ها دفاع کنید. اما:

- کدام حقوق آنان تضییع می‌شود؟
 - چه کسانی این حقوق را زیر پا می‌گذارند؟
 - کسانی که حقوق اقلیت‌ها را زیر پا می‌گذارند به چه چیزها استناد می‌کنند؟ (قانون اساسی، قوانین عادی، رسوم و سنت‌ها، فشار سیاسی مقامات دیگر و...)?
 - این حقوق در چه شکل‌هایی زیر پا گذاشته می‌شود؟
- شروع کنید به این پرسش‌ها پاسخ دهید. این پاسخ‌ها بعداً به کار شما خواهد آمد.

۲۳



انتخابی مثل مجلس یا شوراها به میان می‌آید. ما برای اطمینان از این وضع ناچاریم بر کار آن‌ها نظارت کنیم و مراقب‌شان باشیم.

• در سطح رای‌گیرنده:

ممکن است خود ما از کسانی باشیم که می‌خواهیم نماینده بشویم. ما هم لازم است به این دو پرسش و مصداق‌های مشخص فکر کنیم و برای هر مورد که در منطقه‌ی ما یک مساله به حساب می‌آید خط مشی مشخصی داشته باشیم یا دست کم از حساسیت موضوع و ابعاد آن با خبر باشیم. این خط مشی حتی می‌تواند خودش یکی از عناصر کمپین انتخاباتی ما باشد تا مردم بیشتری را برای رای دادن به خود متقاعد کنیم.

مراقب چه چیز باشیم؟

خواه رای دهنده‌ای معمولی باشیم یا حتی شهروندی که رای نمی‌دهیم، خواه نماینده‌ی شورا باشیم یا کسی که به کارهای نماینده‌ی منطقه‌مان در مجلس توجه داریم، خواه بخواهیم استانداری و فرمانداری و شهرداری منطقه‌ی زندگی‌مان را زیر مراقبت قرار دهیم یا اصلاً دولت را در کل کشور زیر نگاه خود بگیریم، به چه چیزهایی باید توجه کنیم؟

حساسیت نسبت به اقلیت

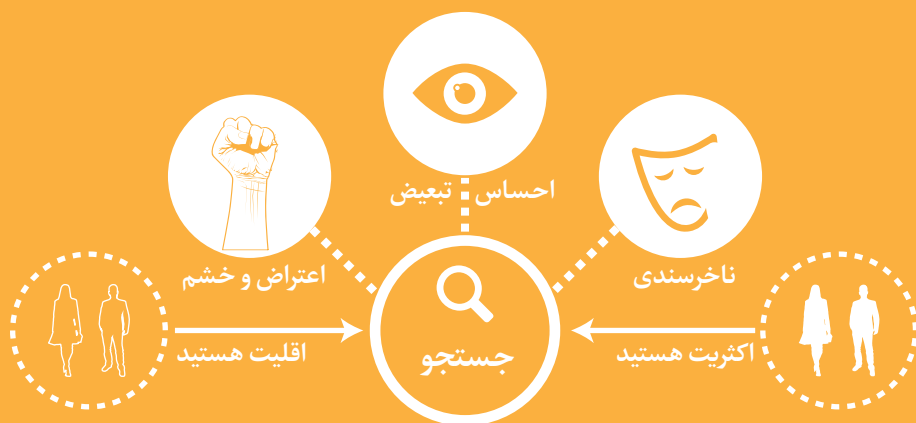
قبل از هر چیز بهتر است حساسیت اقلیتی داشته باشیم. ما ممکن است در اکثریت باشیم و نتوانیم درد اقلیت را حس کنیم. ما ممکن است در اقلیت باشیم (مثلاً از لحاظ زبانی) ولی متوجه درد اقلیت دیگری که اتفاقاً در کنار ما زندگی می‌کند، نباشیم. ممکن است توجه نداشته باشیم که چه کارها، رفتارها یا اقداماتی ممکن است (حتی ناخواسته) به مردمی دیگر که در اقلیت هستند، آسیب عملی بزند یا احساس اقلیت بودن و مورد تبعیض قرار گرفتن را در آن‌ها تقویت کند.

برای داشتن حساسیت اقلیتی باید بدانیم که:

- اقلیت‌ها کیستند؟
- از چه جهت اقلیت محسوب می‌شوند؟
- چه چیزهای از آن‌ها دریغ شده؟
- چه نیازهای اختصاصی دارند؟
- از چه چیزها ناخرسندند؟
- به چه چیزها اعتراض دارند؟ و
- از چه چیزها خشمگین می‌شوند؟



در زندگی مردم منطقه‌ی خود جستجو کنید؟ آیا شما جزئی از اقلیت به حساب می‌آیید؟ آیا اقلیت‌های دیگری را هم در کنار خود می‌شناسید؟ اگر جزو اکثریت هستید چه اقلیت‌هایی در اطراف شما زندگی می‌کنند؟ در هر یک از این حالت‌ها جستجو کنید و ببینید اقلیت‌ها از چه چیزهایی ناخرسندند، چه تبعیض‌هایی احساس می‌کنند، از چه چیز خشمگین‌اند یا به آن اعتراض دارند.



به کار گرفتن حساسیت اقلیت

شما به قدر کافی آگاه شده و از حساسیت اقلیتی هم برخوردار شده‌اید و اگر جستجوی بالا را هم انجام داده باشید فهرستی از مسائل اقلیت‌ها را در اختیار دارید. حالا اگر در اکثریت هستید با داشتن این حساسیت اقلیتی چه می‌خواهید بکنید تا حقوق اقلیت‌ها را رعایت کنید؟ و اگر در اقلیت هستید چگونه می‌خواهید در عین تحقق حقوق خود، حق حکومت اکثریت را نادیده نگیرید.

بیا بید برای روشن‌تر شدن قضایا، فعلاً از رفتارها و اقدامات فردی در قبال اقلیت‌ها صرف‌نظر کنیم و صرفاً رفتارها و اقداماتی را در نظر بگیریم که در سطح عمومی و توسط مقامات و نهادهای عمومی انجام می‌شود و برای آن که باز هم مشخص‌تر حرف بزنیم بیا بید فقط اقدامات در سطح مقامات و نهادهای محلی، مثلاً شوراها و شهرداری‌ها و مانند آن‌ها را در نظر بگیریم. اکنون ببینیم به چه چیزها می‌توانیم حساس باشیم و خود را برای انتقاد، اعتراض، تغییر و مانند آن سازمان بدهیم. به این پرسش‌ها توجه کنید و از آن‌ها برای مراقبت از حقوق اقلیت‌ها استفاده کنید:

- آیا مقامات سخنانی گفته‌اند که از نظر اقلیت‌ها توهین به آنان قلمداد می‌شود؟
- آیا اقداماتی در دست انجام است که حقوق یک یا چند اقلیت را نادیده می‌گیرد؟
- چه طرح و برنامه‌هایی در سطح عمومی جریان دارد که به حقوق اقلیت‌ها آسیب می‌زند؟
- آیا در مباحثی که در پیکره‌های تصمیم‌گیری عمومی در جریان است، حساسیتی نسبت به اقلیت‌ها وجود دارد؟
- آیا طرح خاصی برای حمایت از اقلیت‌ها در نظر گرفته شده است؟
- چه راه‌هایی برای جبران حقوق از دست رفته‌ی اقلیت‌ها از طریق مجاری تصمیم‌گیری عمومی میسر است؟

و ...

شما فکر کردید و برخی از مثال‌ها را به یاد آوردید. بیا بید به این چند مثال هم توجه کنید. درستی یا نادرستی این مثال‌ها در این جا اهمیت ندارد. مهم این است که اگر با ادعاهایی از این دست روبرو شدیم به آن حساس شویم یا اگر روبرو نشدیم به احتمال وجودش فکر کنیم:

- جلوگیری از ساخت مسجد اهل سنت در شهری با اکثریت شیعه
 - ممانعت از تصدی برخی پست‌های دولتی برای بلوچ‌ها در یک شهر غیربلوچ نشین
 - دادن امتیاز برای ساکن شدن یک قومیت خاص در منطقه‌ای با اکثریت قومی متفاوت
 - جلوگیری از ادامه تحصیل بهائیان
 - غدغن بودن زیارت اماکن مقدسه در اسرائیل برای یهودیان ایرانی
 - اخراج افراد با گرایش‌های جنسی متفاوت از مدرسه
 - ممانعت از شرکت افراد غیرمسیحی در جشن‌ها و مراسم ارامنه
 - بستن خانقاه‌های دراویش
 - بودجه ندادن برای آموزش به زبان مادری
 - دادن مناصب اصلی شهری کرد نشین به اقوامی از مناطق مرکزی
 - تخصیص تبعیض‌آمیز بودجه‌های فرهنگی به فعالیت‌های مردم عرب و غیر عرب در خوزستان
- این مثال‌ها فراوان‌اند. مهم این است که شما با مسلح شدن به حساسیت نسبت به حقوق اقلیت‌ها آن‌ها را در زندگی عادی و اجتماعی و سیاسی تشخیص دهید و برای رفع فعالیت کنید.





موارد بالا صرفاً برخی از خطوط کلی حساسیت نسبت به اقلیت‌هاست. حالا فکر کنید و با تامل در تجربیات و دانسته‌های خود ببینید چه مصداق‌هایی برای این موارد کلی می‌توانید پیدا کنید. چه اقدامات، طرح‌ها و سخنانی را می‌توانید بیابید که مصداق عدم رعایت حقوق اقلیت‌هاست.



از تبعیض اجتماعی تا یارگیری اجتماعی

۲۸

تا این جا ما از تبعیض‌های حقوقی حرف زدیم. تبعیض‌های حقوقی و قانونی را می‌شود با ایجاد حساسیت نسبت به اقلیت‌ها و توجه به دفاع از حقوق آن‌ها کم کرد یا از بین برد. اما تبعیض‌های اجتماعی را چگونه؟

تبعیض‌های اجتماعی ناشی از این نیست که قانون یا مقررات اقلیت‌ها را مورد تبعیض قرار می‌دهد، بلکه این توازن قوای اجتماعی است که باعث می‌شود اقلیت‌ها احساس تمایز و تبعیض کنند، حتی در صورتی که تبعیض‌های قانونی هم در کار نباشند. در واقع، تا این جا، خطاب به سوی اکثریت بود و این که چرا و چگونه اکثریت باید با تبعیض علیه اقلیت مبارزه و از حقوق آن‌ها دفاع کند.

اما اقلیت‌ها برای پیشبرد نیازها و خواسته‌های خود چه می‌توانند بکنند. اقلیت‌ها برای دور شدن از این موقعیت و کاهش فشارها چه راه‌هایی در پیش دارند؟ آن‌ها چگونه می‌توانند آن توازن قوایی را که باعث تمایز و تبعیض اجتماعی می‌شود، کاهش دهند؟

”توازن قوای اجتماع
است که باعث
می‌شود اقلیت‌ها
احساس تمایز و
تبعیض کنند،
حتی در صورتی که
تبعیض‌های قانونی
هم در کار نباشند.“

توازن قوا

وقتی یک نیروی اجتماعی یا سیاسی می‌خواهد هدف‌هایش را در جامعه دنبال کند در وهله اول باید تصویری از وضعیت خودش و دیگران داشته باشد. باید ببیند خودش چه قدرتی دارد و دیگران چه قدرتی دارند. مقایسه‌ی این قدرت‌ها معادله‌ی قدرت یا همان توازن قوا را مشخص می‌کند.

تبعیض‌های اجتماعی جایی شروع می‌شود که توازن قوا به زیان یک گروه اجتماعی (در این جا، اقلیت‌ها) باشد. برای کاهش تبعیض‌های اجتماعی، چاره‌ی کار تغییر یا تعدیل موازنه قواست. برای تغییر یا تعدیل موازنه‌ی قوا، هر گروهی نیازمند یارگیری اجتماعی است

یارگیری اجتماعی

یارگیری اجتماعی شبیه همان چیزی است که در جریان یارکشی در بازی‌های گروهی اتفاق می‌افتد. در یارکشی هر تیم سعی می‌کند بازیکنان بهتری بردارد. همین یارکشی در سطح مسابقات حرفه‌ای به دوره‌ی یارگیری مشهور است که پیش از شروع هر فصل انجام می‌شود. تیمی که بهتر یارگیری کرده باشد، از قدرت بالقوه‌ی بیشتری برخوردار است.

در جریان رقابت میان گروه‌های اجتماعی هم هر تیمی که یارگیری بهتری انجام دهد، بهتر می‌تواند هدف‌هایش را دنبال کند. اکثریت، به دلیل برتری عددی، در بسیاری از مواقع چندان دل‌نگران یارگیری نیست. اما اقلیت همواره باید به دنبال یارگیری بهتر باشد تا بتواند موازنه‌ی قوا را تعدیل کند.

انواع یارگیری

یارگیری اجتماعی فقط اضافه کردن افراد به یک گروه اقلیت نیست. در اغلب موارد، چشم‌اندازی برای تبدیل شدن اقلیت به اکثریت وجود ندارد. مهم این است که اقلیت بتواند گروه‌های اجتماعی دیگر را، از درون اکثریت یا از درون اقلیت‌های دیگر، با خود هم‌نوا و هم‌جهت کند و به تشریک مساعی ترغیب کند.

• یارگیری اجتماعی می‌تواند «یارگیری استراتژیک» باشد، یعنی همراه شدن با مشی گروه‌های دیگر (اعم از اکثریت یا اقلیت) برای پی‌گرفتن یک خط‌مشی مشخص که هم اقلیت سود می‌برد هم اکثریت. مثلاً همراه شدن با تلاش‌هایی که به گسترش مناسبات با دیگر کشورهای جهان کمک می‌کند، عملاً باعث پیوند با جامعه‌ی جهانی و محدود شدن تبعیض‌های اجتماعی در سایه محدود شدن قدرت اکثریت می‌شود.

• در مواردی که یارگیری استراتژیک در کار نباشد، می‌توان «یارگیری تاکتیکی» کرد، یعنی بر سر موضوع مشخص یا با گروه مشخصی در محدوده‌ی موضوعی یا زمانی مشخصی توافق و همراهی کرد. تلاش برای پذیرش اعلامیه‌های بین‌المللی که تبعیض علیه اقلیت‌ها را ممنوع می‌کند، یک مثال از این نوع یارگیری است.

• یارگیری استراتژیک و تاکتیکی می‌تواند در قالب یا از طریق «یارگیری تشکیلاتی» هم انجام شود. این نوع یارگیری اعم است از همراهی و همکاری تشکیلاتی با سازمانی دیگر یا حتی حضور در تشکیلاتی با هدف‌های سازمانی وسیع‌تر، که در نهایت نفع آن به گروه اقلیت هم خواهد رسید.



توازن قوا و یارگیری های اجتماعی:



• «یارگیری مطالباتی»: گاهی می‌توان به سراغ موضوعاتی رفت که اگرچه مساله‌ی اقلیت است اما اکثریت هم حاضر است آن را دنبال کند (مثل رفع تبعیض‌های استخدامی بر اساس قومیت، مذهب و جنسیت). گاهی هم می‌شود با مطالباتی همراه شد که اکثریت دنبال می‌کند اما از جمله مطالباتی است که یک اقلیت هم دنبال آن است (مثل آموزش زبان مادری یا آموزش به زبان مادری).

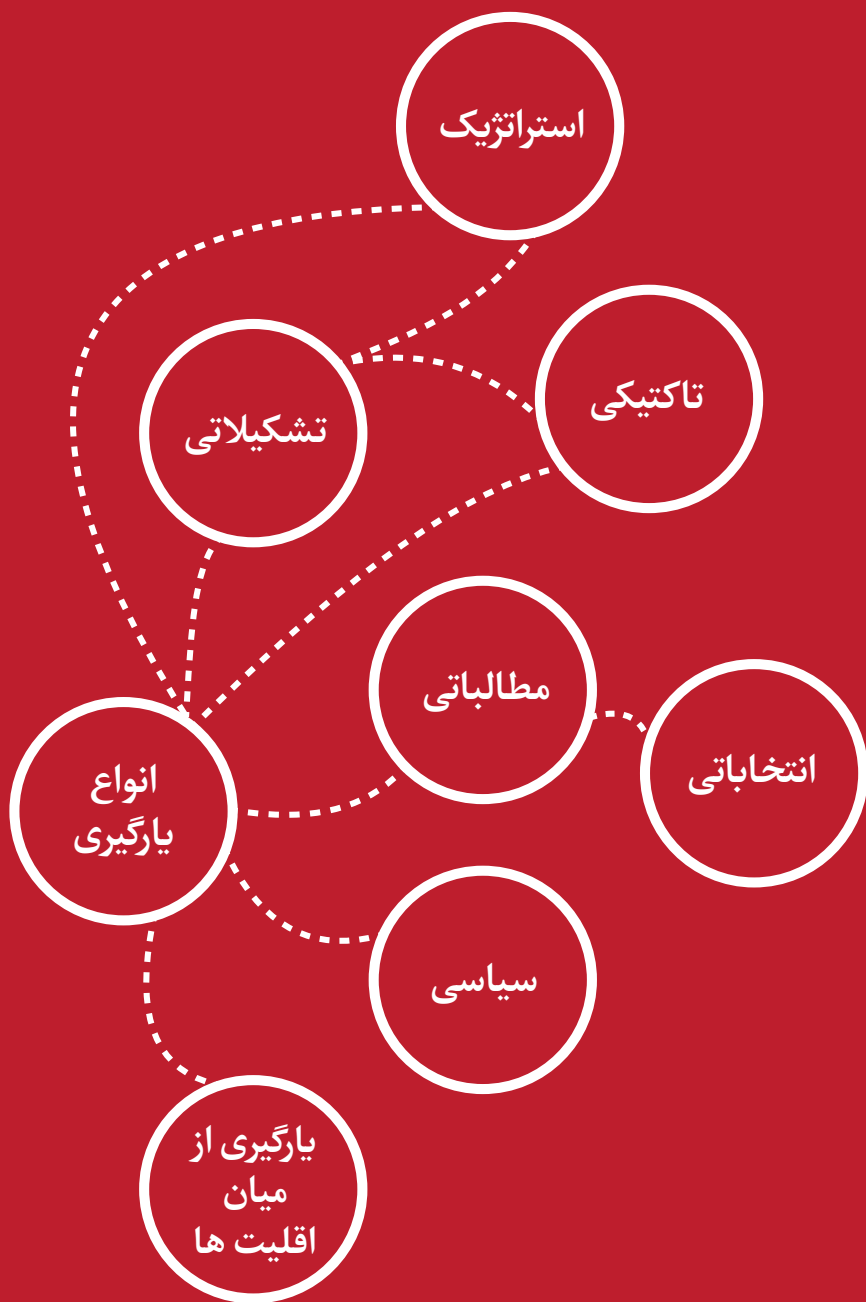
• یکی از مصادیق مشخص برای یارگیری مطالباتی، «یارگیری انتخاباتی» است. در جریان انتخابات، گروه‌های اقلیت می‌توانند به افراد و جریان‌هایی نزدیک شوند که بیش از گروه‌های دیگر به مطالبات آن‌ها نزدیک‌اند. انتخابات شوراها یکی از این موقعیت‌هاست.

• این یارگیری‌ها در سطح جامعه‌ی مدنی یا از طریق جامعه‌ی مدنی است. اما یارگیری می‌تواند به جامعه‌ی سیاسی پیوند خورده و تبدیل به «یارگیری سیاسی» شود. اگر یک اقلیت به این نتیجه برسد که همراهی یا پشتیبانی از بخش‌ها یا جناح‌هایی از جامعه‌ی سیاسی در تحلیل نهایی به سودش خواهد بود، یارگیری از درون جامعه‌ی سیاسی نیز راهی برای تعدیل موازنه‌ی قوا خواهد بود.

• لازم نیست که یارگیری همیشه یارگیری از درون اکثریت باشد. در شرایط مشخصی یارگیری از میان سایر اقلیت‌ها (چه به صورت مطالباتی چه به صورت تشکیلاتی) می‌تواند به تعدیل موازنه‌ی قوا کمک کند. اقلیت‌ها بسیاری اوقات در حال رقابت با هم برای بهره‌برداری بیشتر از منابع مدنی یا سیاسی‌اند، اما گاهی همکاری در عین رقابت برای آن‌ها نتایج مفیدتری به بار می‌آورد.

این نوع یارگیری‌ها در وضعیت‌های عادی همواره در جریان است، اما ممکن است از پویایی کافی برخوردار نباشد. در جامعه‌ی ما، ایام انتخابات زمانی است که تحرک اجتماعی و سیاسی افزایش می‌یابد و جریان یارگیری هم رونق می‌گیرد. انتخابات شوراها با توجه به باز بودن نسبی‌اش به روی بسیاری از اقلیت‌ها فرصت مناسبی برای این قبیل یارگیری‌هاست. هر چند می‌دانیم در وضعیت کنونی برخی اقلیت‌ها در این زمان نیز از چنین موقعیتی برخوردار نخواهند شد.





صدای اقلیت و تصمیم‌گیران محلی

۳۴

صدای غالب در اکثر جامعه‌ها صدای اکثریت است. اقلیت یا صدایی ندارد یا صدایش زیر سنگینی صدای اکثریت شنیده نمی‌شود. اما اقلیت برای آن که خواسته‌هایش را پیش ببرد نه تنها نیاز به یارگیری دارد، بلکه برای همان یارگیری هم نیاز دارد که صدای خواسته‌هایش شنیده شود.

چے کسے باید صدای ما را بشنود؟

صدای ما را هم اکثریت باید بشنود هم دیگر اقلیت‌ها. آنان باید بشنوند تا برای یارگیری آماده شوند. اما اکثریت و اقلیت، هر دو وقتی می‌توانند تاثیر عملی بگذارند که صدایشان از طرف تصمیم‌گیران شنیده شود. اقلیت باید صدایش را به گوش تصمیم‌گیران برساند. این تصمیم‌گیران هم در سطح ملی حضور دارند هم در سطح محلی. مثلاً شوراها یک پیکره‌ی تصمیم‌گیری قانونی در سطح محلی‌اند و شهرداری‌ها و دهرداری‌ها یک پیکره‌ی تصمیم‌گیری اجرایی. اگر اقلیت‌ها در سطح محلی می‌خواهند بر تصمیم‌گیری‌های عمومی اثر بگذارند باید صدایشان را به این دو پیکره‌ی قانونگذاری و اجرایی برسانند.

”توازن قوای اجتماعے
است کہ باعث
مے شود اقلیت‌ها
احساس تمایزو
تبعیض کنند،
حتے در صورتے کہ
تبعیض‌های قانونے
هم در کار نباشند.“

چگونه صدای خود را برسانیم؟

رساندن صدا، یعنی انتقال خواسته‌ها به تصمیم‌گیران، اما به صورتی که دیگران هم مطلع شوند تا تصمیم‌گیران فشار آن دیگران را نیز در جریان تصمیم‌گیری‌ها احساس کنند. برای رساندن صدای خود باید مواردی از این دست را در نظر بگیریم:

• تنظیم کنیم: خواسته‌های خود را روشن و مشخص کنیم. آن‌ها را به زبان روشن، مکتوب کنیم. اگر متعدّدند، آن‌ها را اولویت بندی کنیم. در تنظیم هر درخواست واژه‌های کلیدی را مشخص کنیم و به تکرار از آن‌ها استفاده کنیم، مثلاً «حق آموزش زبان مادری». این واژه‌ها برای ساختن شعار یا استفاده در تبلیغات به کار می‌آیند.

• حمایت جلب کنیم: برای آن که تصمیم‌گیران خواسته‌های ما را دنبال کنند باید احساس کنند دیگران از ما حمایت می‌کنند، همان‌ها که ما در یاری‌گیری با خود همراه کرده‌ایم. برای جلب این حمایت، هم می‌توانید از رسانه‌های همگانی استفاده کنید هم از رسانه‌های اجتماعی. روش‌های سنتی هم هنوز کار می‌کند: از جمع‌آوری طومار و امضا تا همراه کردن متنفذان محلی تا پخش اطلاعیه و تراکت تا دیوار نویسی.

• جلسه بگذاریم: از جلسات سخنرانی تا کارگاه‌های ترویجی، از دوره‌ی آموزشی تا جلسات بحث و مناظره به بلندتر شدن صدای ما کمک خواهد کرد. با متخصصان، به ویژه حقوق‌دانان، جلسه بگذارید از آن‌ها برای شیوه‌های پیشبرد خواسته‌ها تان مشورت بگیرید.

• تامین مالی کنید: بسیاری از فعالیت‌ها نیازمند پول است. از اجاره محل برای سخنرانی تا دادن آگهی، از تهیه تراکت تا در اختیار گرفتن وقت افراد غیر داوطلب، همه و همه نیازمند تامین هزینه‌است. با افراد و موسسات متمول تماس داشته باشید و برای تامین هزینه‌ی فعالیت‌های خود عمل کنید.

• ملاقات کنیم: نه تنها با افراد با نفوذ محلی، نه تنها با انجمن‌های تخصصی، نه تنها با گروه‌های اجتماعی دیگر، که ما نیاز داریم با اعضای شوراها، یا مقامات مربوط در ادارات مختلف منطقه‌ی خود جلسه بگذاریم. این کار ساده نیست. نیاز به سماجت و البته اطلاع از حقوق و تکالیف قانونی دارد که باید از جلسه با متخصصان به دست بیاید.

این‌ها فقط برخی ابتکار عمل‌های کلی است. شما با در نظر گرفتن اوضاع و احوال منطقه‌ی زندگی خود ممکن است راه‌های مبتکرانه‌ای پیدا کنید که بعدها در نوشته‌های دیگران به آن‌ها اشاره خواهد شد.





پاسخگو کردن در قبال اقلیت‌ها

اقلیت‌ها نیز مانند دیگر گروه‌های اجتماعی باید بتوانند خواسته‌های خود را دنبال کنند. آنان تلاش می‌کنند، به خود سازمان می‌دهند، یارگیری می‌کنند و صدای خود را به سطح تصمیم‌گیری‌های عمومی می‌رسانند. اما آیا پیکره‌های تصمیم‌گیری و مقامات تصمیم‌گیر در قبال خواست این اقلیت‌ها وظیفه یا تکلیفی بر دوش دارند؟ آیا اقلیت‌ها می‌توانند از مقامات انتظار پاسخگویی داشته باشند؟

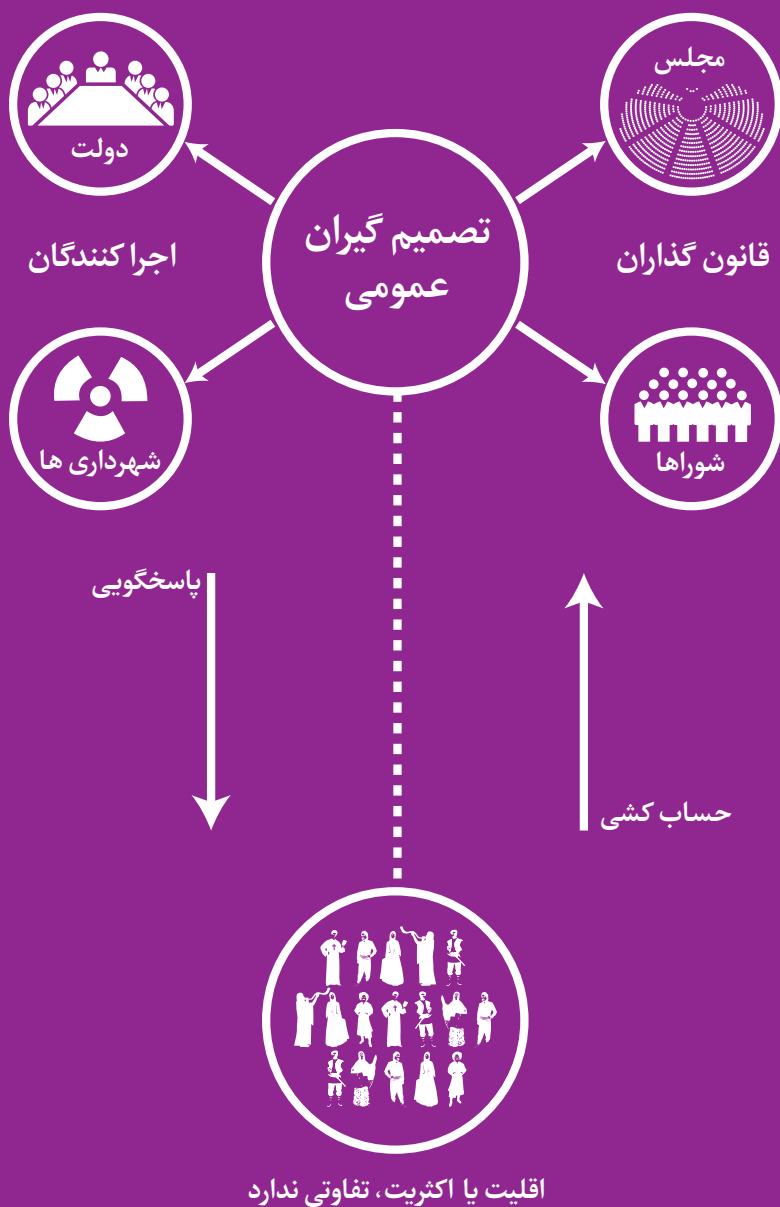
۳۸



مبنای بنیادین پاسخگوی

تصمیم‌گیران عمومی، خواه در پیکره‌های قانون‌گذاری مثل مجلس یا شوراها باشند خواه در پیکره‌های اجرایی مثل دولت یا شهرداری‌ها، باید پاسخگوی اقدامات خود در پیشگاه شهروندان باشند. این فقط یک تعارف تشریفاتی نیست. یک اصل مسلم حقوقی است زیرا تصمیم‌گیران عمومی، کارگزار، عامل یا وکیل مردم برای همان تصمیمات عمومی در جهت منافع همان مردم هستند. و چون وکیل آنان هستند باید هم گزارش اقدامات خود را به مردم بدهند هم آماده باشند که مردم از آنان حساب‌کشی کنند تا ببینند چقدر، چطور و در چه مواردی، وکیل مطابق خواسته‌های آنان عمل کرده و در چه مواردی خیر. مفهوم شهروند از دل همین رابطه‌ی حقوقی بیرون می‌آید. اگر این مقامات «وظیفه»ی وکالت مردم را نداشته باشند و مردم «حق» حساب‌کشی از آنان نداشته باشند، مردم شهروند نخواهند بود و فقط به ساکنانی و بلکه ساکنانی در یک سرزمین مشخص تبدیل می‌شوند.

اگر چنین تصویری از رابطه شهروند و دولت (در عام‌ترین معنای آن در سطح ملی و محلی) وجود داشته باشد، آن‌گاه باید گفت که اقلیت‌ها نیز، هر که باشند و از هر قبیله، شهروند خواهند بود، و از آن‌جا که شهروندند حق دارند، و بلکه «وظیفه»، تا از تصمیم‌گیران عمومی حساب‌کشی کنند. فراموش نکنیم که نظارت، یک «وظیفه»ی شهروندی است.



مبنای بین المللی

حق اقلیت‌ها برای پاسخگو کردن مقامات و پیکره‌های تصمیم‌گیری عمومی تنها به این مبنای اساسی حقوقی منحصر نیست. وجود میثاق‌ها و مقررات بین‌المللی، از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، و مشخص‌تر از آن‌ها «اعلامیه حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، دینی و زبانی»، از جمله توافق‌های بین‌المللی است که دولت‌های عضو سازمان ملل را رسماً یا عرفاً وادار به پاسخگویی نسبت به رعایت حقوق اقلیت‌ها می‌کند. به این ترتیب، دولت‌ها و پیکره‌های محلی آن‌ها نه تنها در برابر اقلیت‌های خود به عنوان شهروند مسوول هستند بلکه به عنوان جزئی از جامعه‌ی بین‌الملل باید از این بابت پاسخگوی جامعه‌ی جهانی هم باشند.

پاسخگو کردن

دو مبنای یاد شده، در واقع بنیانی برای اقدامات گروه‌های اقلیت برای پاسخگو کردن تصمیم‌گیران عمومی، بویژه در سطح محلی، است. دانستن این دو مبنا وقتی لازم می‌شود که مقامات مسوول با یادآوری اقلیت بودن این گروه‌ها می‌خواهند از زیر بار مسوولیت قانونی خود در قبال آن‌ها شانه خالی کنند.

آنان ممکن است با استناد به عدم پذیرش اجتماعی رفتار جنسی دگرباشان، با اتکا به عدم پذیرش عقاید یک گروه مذهبی، با توسل به تمایلات سیاسی یک گروه قومی بخواهند از این تکلیف قانونی سرباز بزنند. یادآوری مکرر این دو مبنا در جلسات، تبلیغات، ملاقات‌ها و در جریان یارگیری اجتماعی نوعی اتمام حجت قانونی است برای گوشزد کردن به مقامات مسوول و حامیان اجتماعی آن‌ها.

چگونه پاسخگو کنیم؟

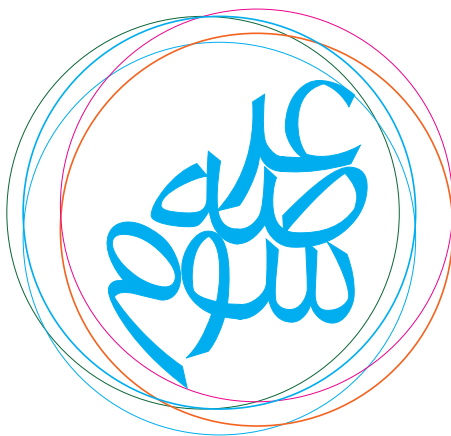
پاسخگو کردن، هدف نهایی از نظارت کردن بر پیکره‌های تصمیم‌گیری عمومی است. از این رو شیوه‌های عمومی پاسخگو کردن همان است که در مورد نظارت از آن استفاده می‌کنیم، یعنی پیگیری، حضور، ملاقات، استفاده از رسانه‌های همگانی و رسانه‌های اجتماعی، کمک گرفتن از انجمن‌های تخصصی، تهیه‌ی کارنامه و مانند آن. (برای اطلاع از جزئیات بیشتر به جزوه‌ی «توانمند سازی جامعه مدنی» سری بزنید.)



سخن پایانی



موضوع اقلیت‌ها و حقوق آن‌ها گرچه نسبتاً تازه است، اما با انبوهی از نوشته‌ها، بحث‌ها و مسایل جانبی، منازعات و مجادلات نظری و عملی همراه بوده است. در این نوشته، با اذعان به این گوناگونی‌ها، صرفاً بر مساله‌ی دفاع از اقلیت‌ها در ارتباط با جامعه‌ی مدنی و نیز حکمرانی در سطح محلی (از جمله از طریق شوراها و سازمان‌های عمومی محلی) تاکید شده است. پیداست که در این مجال کوتاه پرداختن به همه‌ی جنبه‌های موضوع حتی در ارتباط با حقوق اقلیت‌ها و موضوع حکمرانی ممکن نیست. اگر این نوشته راهی بگشاید برای ایجاد حساسیت به مساله‌ی اقلیت‌ها و برخی جنبه‌های پایه، به هدفش نائل شده است، اما این راه گشوده را شما با تعمیق حساسیت‌ها و اقدامات خود می‌توانید پی بگیرید.



درباره عرصه سوم

سازمان غیردولتی و ناسودبر «عرشه سوم» در سال ۱۳۸۹ / ۲۰۱۰ در آمستردام (هلند) بنیان نهاده شد و به ثبت رسید. این سازمان به کوشش گروهی از کنش‌گران مدنی و شخصیت‌های علمی ایرانی و غیرایرانی در هلند با اهداف زیر شکل گرفته است:

- ترویج و گسترش اندیشه‌های مدنی، صلح‌آمیز، دموکراسی و حقوق بشر
- ظرفیت‌سازی سازمان‌ها، کنشگران جامعه مدنی و مدافعان حقوق بشر
- ترویج و گسترش اخلاق مدنی و فرهنگ کارهای داوطلبانه
- آسان‌سازی دسترسی، گردش و مبادله آزاد اطلاعات
- و ایجاد فضایی مناسب برای تبادل نظر، گفت‌وگو بین کنش‌گران جامعه مدنی و دیگر گروه‌های اجتماعی

از دیدگاه پایه‌گذاران «عرشه سوم»، جامعه مدنی کانون مقاومت، تهدید قدرت سیاسی و عرصه قدرت‌یابی شهروندان است. جامعه مدنی مرکز بروز خلاقیت‌ها، ابتکارات تازه اجتماعی و مدرسه آموزش و تمرین دموکراسی، تساهل، مدارا، شهامت و اخلاق مدنی است. جامعه مدنی همچنین کانون تولید، انباشت سرمایه اجتماعی و عرصه آزادی، رهایی و برابری است.

تعریف جامعه مدنی از

منظر عرصه سوم



جامعه مدنی دارای تعاریف گوناگونی است. در میان این تعاریف، «عرصه سوم» تعریف زیر را برای جامعه مدنی برگزیده است:

از نگاه «عرصه سوم»، جامعه مدنی مجموعه‌ای از سازمان‌های رسمی و نیمه رسمی است که پایه‌ها و رویه‌هایی چون دموکراسی، همکاری، حقوق، کثرت‌گرایی، صلح و عدالت را در سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی پشتیبانی و توانمند می‌کنند.

این سازمان‌ها خارج از نفوذ و اراده دولت‌ها قرار دارند و پیگیرانه از راه گفتگو و فشار بر نهادهای دولتی، مسئولیت دولت‌ها را در برابر حقوق شهروندی یادآور و خواسته‌های شهروندان را مطالبه می‌کنند.

بر پایه این تعریف، «عرصه سوم» مأموریت خویش را به عنوان یک سازمان جامعه مدنی فراهم ساختن ابزار، منابع و فرصت‌ها برای آموزش و همکاری با این سازمان‌ها برای توانمندسازی و کثرت‌گرایی در داخل و خارج ایران و جوامع مرتبط می‌داند.

«عرصه سوم» بر این باور است که عدم رعایت حقوق بشر و نبود صلح و دموکراسی، سه معضل اصلی جامعه ایران است. از این رو می‌کوشد تا ارتقاء دهنده‌ی حقوق همه گروه‌های جامعه و نیروهای اجتماعی از هر جنس، مذهب، قوم و گرایش سیاسی غیر خشونت‌آمیز باشد. برای

حرکت به سوی یک جامعه دموکراتیک، بررسی موانع فرهنگی، اجتماعی و سیاسی اجرای اعلامیه جهانی حقوق بشر در آن جامعه اهمیت دارد. «عرصه سوم» در تحقق تلاش‌های جنبش حقوق مدنی، سیاسی در ایران، برای ظرفیت‌سازی، تامین نیازهای آینده و گسترش جامعه مدنی دموکراتیک، با رهبران و فعالان جامعه مدنی ایرانی همکاری می‌کند.

در سی سال اخیر با بازگشت جامعه مدنی به عرصه دانشگاهی و سپهر عمومی، نقش آن در گوشه و کنار به شکل چشم‌گیری رشد و گسترش یافته است. به همین دلیل عده‌ای از پژوهشگران، جامعه مدنی را بزرگ‌ترین پروژه هزاره نو می‌نامند.

بنابراین جامعه مدنی به مثابه عرصه سوم در روند گسترش صلح و دموکراتیک‌سازی، به دلیل برخورداری از توانایی‌هایی چون: نمایندگی گروه‌های اجتماعی، پیوند نزدیک‌تر و گسترده‌تر با جوامع محلی، پیگیری خواسته‌های آنان، بازتاب‌دادن صدای مردم و گروه‌های به حاشیه رانده شده، فراهم ساختن ابزارها و فرصت‌های لازم برای ارائه و بیان دیدگاه‌های شهروندان، توانمند ساختن شهروندان برای پیکار و تغییر سیاست‌های عمومی، ساختن جهانی دیگر و از دیگر بازیگران توسعه (دولتی و خصوصی) متمایز می‌شوند.

جامعه مدنی تلاش می‌کند در الگوی تازه توسعه و فرایند دموکراتیک‌سازی، الگوی جدیدی از کارآیی و کارآمدی، پاسخگویی، شفافیت، نهادینه ساختن تنوع و نظم انجمنی در جامعه ارائه دهد.

در چند دهه اخیر، جامعه ایرانی نیز با پایان جنگ ایران-عراق، فروکش کردن هیجان‌های انقلابی، افول پوپولیسم، غیرایدئولوژیک شدن جامعه و مسلط شدن گفتمان توسعه، همگام با دگرگونی‌های جامعه جهانی و موج سوم دموکراسی، شاهد بازگشت اما آرام جامعه مدنی بوده است.

در این سال‌ها جامعه مدنی ایرانی به رغم محدودیت‌ها و تنگناها و وجود کانون‌های مقاومت، از رشد، تنوع و پویایی نسبتاً چشمگیر برخوردار بوده است:

در یک دهه اخیر و پس از تغییرات گسترده‌ای که در صحنه فعالیت‌های سیاسی و مدنی در ایران رخ داده به نظر می‌رسد تلاش برای گسترش جامعه مدنی، قدرت یابی شهروندان، دفاع از آزادی انجمن‌ها و حقوق شهروندی، تلاش برای حفاظت از محیط زیست و تواناسازی محیط‌های سیاسی و اجتماعی، از مهم‌ترین دغدغه‌ها و اهداف استراتژیک کنش‌گران جامعه مدنی است.

پایه‌گذاران «عرصه سوم» در همراهی با این دگرگونی‌های گسترده، امیدوارند بتوانند در راه پویایی و توانمندسازی جامعه مدنی ایران در این مقطع زمانی گامی مثبت برداشته و به شکل گیری هر چه بهتر جامعه مدنی در ایران کمک کنند.

از این رو هیات مدیره، مشاوران و همکاران «عرصه سوم» نیز به منظور تحقق این اهداف از ترکیب متنوعی تشکیل شده است. در سازمان از تخصص‌های گوناگون کارشناسان و فعالان مدنی که هر یک پژوهش‌ها و تجارب متنوعی درباره جامعه ایران داشته‌اند استفاده شده است. این ترکیب ناشی از نگاه مستقل «عرصه سوم» نسبت به مسائل جامعه مدنی است.

پیوست:

• اعلامیه حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، دینی و زبانی

http://www.unic-ir.org/hr/Booklet_Minorities_Farsi2.pdf





اقلیت، اقلیت‌ها، حقوق اقلیت، اقلیت‌های تحت ستم، اقلیت‌های معترض و
این‌ها تعبیراتی است که در سال‌های اخیر بیش از همیشه از در و دیوار رسانه‌ها
بالا می‌رود. این واژه‌ها و خبرها گاهی ذهن عده‌ای را به خود مشغول می‌کنند
و شاید هم روی اعصاب عده‌ای رژه می‌روند. عده‌ای را امیدوار و برخی را نگران
می‌کنند، برخی به شوق می‌آیند و برخی معترض می‌شوند. این خبرها و واژه‌ها،
این کنش‌ها و آن واکنش‌ها، همه و همه، نشان می‌دهند که ما با مساله‌ای
جدی روبرو هستیم: مساله‌ی اقلیت‌ها.
اما اقلیت کیست و مساله‌اش چیست؟



www.darsahn.org



[Minahassastraat 1
1092 RS, Amsterdam
The Netherlands]

[www.arsehsevom.net
contact@arsehsevom.net
press@arsehsevom.net]